

«خانواده سالاری» و «رابطه سالاری»؛

مناسب‌ترین بستر برای ظهور فساد

تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها...

مردم، از خیلی پیش خیلی «چیزها» راجع به جهش موشکی عده‌ای از سکوی ناداری یا کم مایگی به کهکشان میلیارد ستاره‌ای ثروت بر زبان می‌آوردند. زمزمه‌ها در این باره از میانه دوره جنگ تحمیلی هشت ساله آغاز شد. اما چه کسی می‌توانست در آن شرایط جز زمزمه حاکی از نارضایتی کار دیگری بکند؟ آنها که مخلص و مؤمن بودند یا در جبهه‌ها سینه را آماج گلوله‌های دشمن تجاوزگر کرده بودند یا در پشت جبهه با جنگ و دندان می‌کوشیدند کمبودهای جبهه و نیازهای اساسی جامعه را فراهم آورند. و در همین هنگامه و گیر و دار بود که عده‌ای فرصت طلب و تقاب زده، شالوده یک نظام «رابطه سالاری» و «خانواده سالاری» را پی می‌ریختند.

خود و آتش جنگ پرده استتاز مناسبی فراهم آورد تا این گروه بدون جلب توجه کردن و برانگیختن کنجکاری دیگران، طبقه جدیدی تشکیل دهند.

پس از پایان جنگ و آغاز دوران سازندگی نیز همین گروه که مواضع خود را مستحکم، و جایگاه خود را در نظام مدیریتی کشور استوار کرده بودند، در صف سازندگان جایگاه بایسته‌ای را برای خود تعبیه کردند و خرطوم‌های مکنده نیرومند خود را از روزنه‌هایی که اجرای برنامه‌های فشرده بازسازی و سازندگی در حصار ثروت‌های عمومی و «بیت‌المال» بوجود آورده بود، به درون فرستادند و همچنانکه فردی محتویات یک نوشتابه را از نی نوشیدن به معده سرازیر می‌کند، آنها نیز میلیاردها تومان دلار را با ترفندهای شگفتی‌برانگیز به حسابهای شخصی خود منتقل کردند!

اگر اوضاع بر روال دوره جنگ ادامه می‌یافت ای بسا که سالها طول می‌کشید و کسی نمی‌فهمید که فلان خانواده، یا فلان بانده مالی چون اختاپوس‌های جدید بر مقدرات اقتصادی کشور حاکم شده‌اند. اما تولد تشریفات جدید بعد از خاتمه جنگ از یک سو، و ایجاد جناحهای سیاسی مختلف در درون حاکمیت این سانس را در اختیار گذاشت که آن زمزمه‌ها به

افشاگری‌ها و اعتراض‌های علنی تبدیل شود.

رسوایی‌هایی به بار آمد، و کسانی به پای میز محاکمه کشیده شدند که جنجال برانگیزترین آنها ماجرای ۱۲۳ میلیارد تومان بانک صادرات بود.

اما دقیقاً در همان ایامی که مقامات رسمی و مردم شش دانگ حواس خویش را به این قبیل ماجراها و محاکمات سپرده بودند، «خانواده سالاران» و «رابطه سالاران» جدید کشور با خیال راحت سرگرم کار خویش بودند. فی‌المثل همدیگر را در جریان برنامه‌های عمرانی یا مالی جدیدی که قرار است اجرا شود می‌گذاشتند و قبل از این که دیار البشری بوبیرد فردا، و فرداها چه خواهد شد؟ آنها تمامی منافع و فرصت‌هایی را که قرار بود ایجاد شود، به خود اختصاص می‌دادند و برادرانه منافع میلیاردی حاصل را تقسیم می‌کردند!

و سرانجام زمانی رسید که کسانی جرأت کردند از تشکیل یک طبقه جدید سخن بر زبان آورند.

زمانی این سخن در علن بر زبانها و قلمها جاری شد که «خانواده سالاران» و «رابطه سالاران» جدید جایگاههای خود را در سلسله مراتب اقتصادی و اداری مستحکم کرده بودند. و تازه، در این زمان هم مقامات مسئول مبارزه با فسادهای مالی و اداری فقط به سطح قضیه پرداختند و نه به عمق آن. مرور برخی محاکمات و استیضاح‌های طرح شده در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد برخوردها با «خانواده سالاری» و «رابطه سالاری» تا چه حد سطحی بوده است.

و چون به عمق توجه نشد، کار تا آنجا بالا گرفت که سرانجام حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب، در تیرماه گذشته در دو نوبت مؤکداً و با صراحت بر لزوم مبارزه جدی با فساد و ممانعت از تعمیق ریشه‌های «طبقه‌های جدید» که به ثروتهای نجومی بادآورده دست یافته‌اند و برخی مواضع اداری و سیاسی را نیز در اختیار دارند، تأکید کردند.

جوسازی... شایعه‌سازی

شاید گفته شود برخی مطبوعات به دلیل نتایج

انتخابات ریاست جمهوری و ناخشنودی از آن، یا پیش کشیدن مبحث فساد مالی-اداری و لزوم مبارزه با ثروت‌های افسانه‌ای بادآورده، اقدام به نوعی تصفیه حساب کرده‌اند. اگر هم چنین باشد، باید این روند را به فال نیک گرفت و آن را به حساب پویانی جامعه گذاشت. باید از همین روند این درس را فراگرفت که وقتی در جامعه‌ای قدرت، ملک طلق یک نفر یا یک گروه و یا چند تئاندان نباشد و گروه‌های سیاسی مختلف نقد کنند، عملکرد یکدیگر باشند، و مطبوعات نیز به وظیفه خود در زمینه نقد عملکرد صاحبان قدرت و مقام و مال عمل کنند، امید رستگاری آن جامعه هرگز به یأس بدل نخواهد شد و فساد چنان فسرگیر نمی‌شود که انجام هرگونه اصلاحاتی را غیرممکن سازد.

از سوننی، طبیعی است افرادی که شروع مبارزه با فساد و رسیدگی به عملکرد ایشان، منافعی را به خطر می‌اندازد از هیچ کاری برای متوقف کردن هر اقدامی در این زمینه خودداری نکنند. اما هوشیاری و هوشمندی مردمان مؤمن و اصلاح طلب و خداجو می‌تواند پول و قدرتی را که برای خفه کردن روند اصلاحات به جریان می‌افتد، بی‌اثر کند.

موضوع حیاتی این نیست که فقط «خانواده سالاران» و «رابطه سالاران» و طبقه فوق مرفه جدید کشور شناسائی شوند؛ نکته مهم‌تر این است که همه دلسوزان کشور و انقلاب این نکته بدیهی را با تمام وجود درک کنند که عدم ممانعت از رشد این ناهنجاریها همه ارزشهایی را که انقلاب بر پایه آنها استوار شده، بودیه نابودی می‌کشاند.

جوسازی، ایجاد موج، افکار عمومی سازی و پنهان کاری ساده‌ترین ابزار است که طبقه نوظهور مورد بحث برای خنثی سازی اقدامات ضد فساد بدان‌ها متوسل می‌شود. و دیده‌ایم که آنها در هفته‌های اخیر مستقیم و غیر مستقیم از این حربه‌ها استفاده کرده‌اند.

یک حربه دیگر این است که گروه مزبور به برخی مقامات مسئول چنین القا کنند که بی‌گیری و

اجتماعی

«بزرگ‌نمائی» ابعاد فساد حیثیت نظام را زیر ستون می‌برد و موجودیت آن را به خطری می‌اندازد. به این مقامات باید تفهیم کرد که آنچه واقعا موجودیت نظام و استقلال کشور را به خطر می‌اندازد ادامه رشد همین طبقه است که اگر روزی شرایط اقتضا کند، حتی از بنده بست با خارجی‌ها و خیانت به منافع ملی ایا نخواهند کرد.

برخی از مسئولان می‌گویند نباید با حیثیت افراد بازی کرد. این عقیده‌ای درست و برحق است. اما می‌توان از مجاری بسیار سهل‌الوصول و کم هزینه فهمید «خانواده سالاران» و «رابطه سالاران» چه کسانی هستند و چه بوده‌اند و اکنون چه هستند و از کدام مجاری و با توسل به کدامین شیوه‌ها

موفق شده‌اند طبقه ممتاز جدیدی را در ایران تشکیل دهند؟

کافی است یک هیأت ۲۰ نفره را مأمور کرده که دوره روزنامه رسمی کشور را از سال ۱۳۶۰ به این سو ورق بزنند و آنگهی ثبت شرکت‌های نجاری-صنعتی-خدماتی و حتی مؤسسات غیراقتصادی و غیرتجاری را مرور کنند و یادداشت بردارند. اگر آنان چنین کنند متوجه خواهند شد مثلاً فلان فرد که معلوم نیست در ابتدای انقلاب با توصیه چه کسی به سفارت ایران در یک کشور کوچک عربی منصوب شده بود، چگونه بعد از مدتی در بدنه‌های اقتصادی کشور نفوذ کرد و طی سالهای گذشته دهها شرکت در رشته‌های بازرگانی-صنعتی-خدماتی و... تشکیل داده و اکنون در تجارت داخلی و خارجی صاحب نفوذ و امکانات فراوانی است. یا فلان فرد که عنوان مهندس را یدک می‌کشد ولی گویا فقط مدرک تکنیسین رنگرزی داشته چطور توانسته بر مسند ریاست حساس‌ترین مراکز اقتصادی تکیه بزند و در این سالها دهها شرکت عظیم تشکیل دهد. یا فلان مؤسسه بظاهر خیریه چه کرده است که اکنون چند شرکت عظیم با دارائی‌های میلیاردی را در اختیار دارد؟ و یا فلان خانواده که تا همین چند سال پیش از لحاظ دارائی جداکثر در طبقه متوسط جامعه جای داشته‌اند چگونه و از کدام مجراها توانسته‌اند به ثروتهای مافوق تصور و قدرتهای اجرایی حساس دست یابند.

اگر همزمانی و تقدم و تأخر تشکیل این شرکتها و مؤسسات را با زمان اعلام یا شروع اجرای یک تصمیم، یا یک طرح یا یک پروژه عظیم مقایسه کنیم، و آنگاه درصدد برآئیم تا دریابیم مدیرعامل و سهامداران این شرکتها (و یا وابستگان آنها که شرکت‌های مشابهی تشکیل داده‌اند) در آن زمان متصدی چه سمتی بوده‌اند

در بحبوحه جنگ تحمیلی، و در شرایطی که مردم و مقامات متعهد وجود خود را وقف جنگ و دفاع از تمامیت ارضی کشور کرده بودند، «خانواده سالاران» و «رابطه سالاران» سرگرم تحکیم موقعیت خود بودند.

خیلی از حقایق برایمان روشن می‌شود. این حقایق نشان می‌دهد «خانواده سالاری» و «رابطه سالاری» اکنون دیگر یک پندار واهی نیست، بلکه واقعیتی است غیرقابل انکار که تمامی شئون زندگی اجتماعی-اقتصادی و حتی سیاسی ما را زیر تأثیر گرفته است. برخی مطبوعات دامنه سوء استفاده از مقام و موقعیت را در محدوده کم و سعنی محصور کرده‌اند. مثلاً آنها اوج این سوءکردها را در واگذاری مؤسسات و کارخانه‌های دولتی مشاهده می‌کنند. در حالی که گستره سوء استفاده «خانواده سالاران» و «رابطه سالاران» به وسعت تمامی فعالیت‌های اقتصادی است. مثلاً به بودجه‌های سالانه و تبصره‌های آن بنگرید و تحقیق کنید تا دریابید تسهیلات و اعتبارات کلان پیش‌بینی شده در تبصره‌های این بودجه‌ها را چه کسانی به جیب زده‌اند؟ یا مثلاً بنگرید به روند صدور مجوز برای ایجاد تأسیسات صنعتی، کشاورزی، واردات و صادرات و... تا دریابید عملکرد «خانواده سالاری» و «رابطه سالاری» در سالهای اخیر چگونه بوده است؟

در کدام بستر...؟

فساد اداری، فساد اجتماعی می‌زاید. اما فساد اداری رانیده کدام پدیده است؟

اگر به سیر فساد اداری در ایران توجه کنیم و بکوشیم ریشه‌های واقعی آن را ببینیم و بشناسیم متوجه خواهیم شد که نه فقط فساد اداری، بلکه خودکامگی و وابستگی به بیگانگان و پیش رفتن تا حد خیانت به یک ملت در بستر «خانواده سالاری» و «رابطه سالاری» جاری می‌شود.

مروری بر تاریخ ایران این واقعیت را مسلح می‌کند. همچنین مروری بر وقایع صدر اسلام و

سالهای اولیه انقلاب کشورمان نشان می‌دهد «خانواده سالاری» و «رابطه سالاری» تا چه مدموم و مخفّر ناک تلقی شده است.

این نکته قابل ذکر است که زمینه‌هایی که در گذشته به تحقق «خانواده سالاری» و «رابطه سالاری» می‌انجامید با عواملی که در دوران ما امکان می‌دهد چنین روابطی بر جامعه حاکمیت یابد تفاوت اساسی کرده است. در جوامع امروز بافت دولتها و سلسله مراتب مدیریتی و اداری است که اجازه می‌دهد «خانواده سالاران» و «رابطه سالاران» مجال رشد یابند. ما این پدیده را از خلال تحقیق مستشر نشده و مفصلی که آقای حسن وفایی در اختیار ماهنامه گذاشته استخراج کرده و در سطور زیر از نظر خوانندگان گرامی و مدیران اصلاح طلب و علاقمند می‌گذاریم:

پیشینه مدیریت دولتی ایران

مدیریت دولتی در گذر زمان از حیث شکل و محتوا از ظرایف و پیچیدگی‌هایی برخوردار شده و هرم قدرت در جامعه را به اشکال گوناگون ایجاد و تقویت کرده است. برای مثال روابط حاکم بر مدیریت و ریاست یک دهکده از جمیع جهات متمایز و متفاوت از مدیریت یک شهر و کشور است. تاریخ سده‌های گذشته انواع متنوعی از مدیریت را ثبت کرده که آخرین آنها در دهه‌های گذشته بطور روشن و مشخص قابل تشخیص بوده‌اند، اعم از مدیریتهای متمرکز و دستوری و یا مدیریتهای متکی بر آراء احزاب متعدد و یا برخوردار از آراء عمومی و در نتیجه برخوردار از تقابل اندیشه‌های متضاد و متفاوت در ارکان حکومت و مدیریت سیاسی و اجرایی کشور. ایران نیز در این ایام انواعی از مدیریت را در سطح خرد و کلان جامعه تجربه کرده و نهایتاً هرم قدرت متأثر از عوامل داخلی و خارجی شکل خاصی را یافته که خود موجب تغییرات اجتماعی بوده است.

بطور کلی جامعه ایران بدلیل ساختار مدیریت قدرت، کاملاً متأثر از نوسانات روابط افراد بوده است و در بسیاری موارد وضعیت جامعه صرفاً بدلیل تغییر افراد و تفکرات حاکم بر قدرت، دچار تحولات قابل توجه‌ای شده است.

هرم قدرت در ایران معمولاً در اختیار گروهی خاص بوده و امور براساس روابط ارباب رعیتی، سلطه مشروع یا غیرمشروع حاکمان و منسوبین یا منسوبین ایشان اداره می‌شده و مناصب قدرت را نیز بنا بر صلاحیت مدیران ارشد بین نزدیکان و همدستان

اجتماعی

انسان تشبیه می‌کردند که نمونه‌های شاخص آن را می‌توان در دوران حاکمیت‌های قومی و قبیله‌ای مانند ساسانیان، عباسیان، زندیه، قاجار و آخرین آنها سلسله پهلوی به روشنی مشاهده کرد.

از طرفی، کسب قدرت با تکیه بر تواناییهای نظامی و سرنگونی حکومت‌های وقت، همیشه این امکان را در اختیار حاکمان جدید قرار می‌داد تا خود را صاحب جان و مال مردم بدانند و در واقع جامعه و مردم را نیز جزو غنایم بدست آمده بدانند، و تمام امور جاری جامعه تحت تأثیر مستقیم فرمانروایی و حتی حضور فیزیکی عوامل حکومت قرار گیرد.

پس از تثبیت دولت مرکزی در دوران زندیه و قاجاریه، با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و حساسیت نقش دولت و مدیران دولتی در جامعه افزوده شد و بدلیل نوع برداشت از حکومت بوسیله مدیریت ارشد جامعه و دست‌اندرکاران مربوط، مدیریت دولتی عرصه‌ای شد تا در شرایط جدید حاکمان قدرت بتوانند به شکل جدیدی بر تمامی ارکان جامعه دست یازند و تمام عرصه اجتماع را مجدداً میدان تاخت و تاز خود قرار دهند.

در این دوران، هدف صرفاً ایجاد تسلط کامل و بهره‌گیری از تمام امکانات جامعه با انتصاب افراد مورد وثوق بود. در این شرایط، عوامل خاصی به عنوان شرط احراز منصب و کسب قدرت - مانند ارتباطات خانوادگی، فامیلی، قومی و سرسپردگی به راس قدرت - تعیین کننده بود؛ چنانکه در دوران قاجار چند هزار شاهزاده از هر لحاظ بر امور مردم حاکم بودند و موفق به کسب

درآمدهای کلان می‌شدند. در دوران پهلوی این روابط به نوعی دیگر شکل گرفت و گسترش یافت تا جایی که موضوع حکومت هزار فامیل به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر و ملموس پذیرفته شد.

بنابراین می‌توان گفت که شکل‌گیری حکومت دولتی بطور جدی در ایران همواره در سایه تسلط روابط خانوادگی و ایلی در هرم قدرت بوده‌است و با هر تغییر و تحولی اجباراً تمام عناصر قدرت دچار دگرگونی می‌شد و مدیران و صاحب منصبان جدید جای رؤسای قبلی را می‌گرفتند و چه بسا که این تغییرات با نابودی و محو کامل رؤسای قبلی از صحنه سیاسی کشور همراه بوده‌است.

علی‌رغم تغییرات شکلی در بعضی از مظاهر

زندگی و حکومتی، دوران پهلوی نیز مملو از حاکمیت خانواده و نزدیکان و یا چاکران خانواده سلطنتی بر مقدرات مردم بوده‌است.

همسر آخر شاه که خود بر اثر حادثه‌ای به یکباره بر اریکه قدرت تکیه زده بود با عملکرد خود زمینه را مهیا کرد تا از سراسر کشور هر شخص با پسوند فامیلی واقعی و یا تقلبی «دینا» به کاخ و دفتر او مراجعه کند و سهولت از فرصتها و امکانات زیادی سود ببرد. غالب دیباها با همین پشتوانه به سازمان برنامه مراجعه می‌کردند و مقاطعه‌های بزرگ را در اختیار داشتند و برای دیگران چیزی نمی‌ماند. از خاطرات ارتشید



فردوست و دیگر تاریخ نگاران دوران پهلوی کاملاً مشهود است که تمامی پستها به تناسب تأثیرگذاری و پول همان هزار فامیل کاملاً در مدارهای بسته فامیلی و ارتباطات پنهانی افراد واگذار می‌شد. در این میان نام تعدادی از خانواده‌ها مانند پهلوی، دینا، ارفع، ارم، اسکندری، اعلم، اقبال، ارجمند، انصاری، بختیار و ... به واسطه نزدیکی و ارادت به خاندان سلطنت بیش از دیگران به چشم می‌خورد.

چنانچه اشاره شد شکل‌گیری مدیریت دولتی ایران براساس نیاز حکومت‌ها به در دست داشتن هر چه بیشتر ابزار قدرت بود، حکومت‌هایی که غالباً بر اثر تهاجم و یا نزاع خونین روی کار آمده بودند. و آخرین آنها با یک کودتا که زمینه آن را یک افسر انگلیسی

(ژنرال آبرون ساید) مهیا کرده بود، زمام امور را در دست گرفت.

ویژگیهای گذشته مدیریت دولتی

- ۱- کسب مدیریت دولتی ایران بدون دخالت آحاد مردم بواسطه قدرت نظامی (به مساعدت حمایت‌های قومی داخلی و یا حمایت کشورهای خارجی).
- ۲- جدایی مدیریت دولتی از آحاد جامعه.
- ۳- نفع طلبی مدیریت دولتی در جامعه.
- ۴- کسب قدرت به منظور اعمال نفوذ و کسب و قدرت بیشتر.

۵- تلاش جهت نفوذ فزاینده در تمام ارکان مدیریت.

۶- حذف یا تحت سلطه درآوردن رقیبان و همپرازان شاغل مدیریت دولتی.

۷- جلب رضایت مدیران ارشد بالاتر به هر قیمت، بمنظور دور زدن مدیران میانی و کسب جایگاه و موقعیت برتر.

۸- کاهش ارتباطات و رفتار انسانی با سطوح پایین مدیران.

۹- وابستگی و یا تحت حمایت دولتهای خارجی قرار داشتن.

۱۰- فقدان احزاب، گروهها و دستجات سیاسی و تخصصی که حداقل به نوعی در انتصاب مدیران مورد وثوق خود نقش داشته باشند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مبانی فکری و اعتقادی دچار تحول شد و ضوابط جدیدی که بر باورهای دینی استوار بود بعنوان الگو و شرایط رشد افراد در جامعه و تصدی پستهای مدیریتی مطرح شد که مورد پذیرش

مسئولین ارشد و آحاد مردم هم بود. از جمله تغییرات ایجاد شده می‌توان به تغییر بینشها و ارزشها و ملاکهای حاکم بر اجتماع اشاره کرد.

نکته حایز اهمیت در مقطع پس از پیروزی انقلاب این بود که علی‌رغم آمادگی مردم برای احراز مشاغل و پستهای دولتی (غالباً تارده مدیران میانی) بدون برخوردار از پشتوانه حمایت تشکیلات سیاسی خاصی، و صرفاً بر اساس وجود تفکر متکی بر عقاید مذهبی و سیاسی منبعت از تفکرات اسلامی و امام خمینی (ره) یک فیلتر برای بررسی سوابق سیاسی (هرچند بطور کم‌رنگ) در مدخل احراز مشاغل حساس قرار گرفت که میزان وابستگی افراد به رژیم گذشته را مورد سنجش قرار می‌داد. در ذیل به همه

ویژگیهای مدیریت دوران انقلاب اشاره می‌شود:

۱. در جامعه اسلامی و نزد مدیران انقلاب هیچ ارزشی بالاتر از بندگی خالصانه حضرت حق نبوده و تمام فعالیت‌های انسانی در راستای جلب رضایت و قرب به خداوند می‌باشد.

۲. احراز مسئولیت‌های اجرایی و تصمیم‌گیری تماماً موقعیت‌های موقت و جهت امتحان انسان محسوب می‌شود.

۳. اگر چه مال اندوختنی و تکتاثر ثروت گناه نیست، اما بر خورداری از ثروت و قدرت مالی امتیازی محسوب نمی‌شود.

۴. شرط برتری افراد صرفاً تقوای (تعهد) ایشان بوده و تمام جنبه‌های دیگر فرع بر آنها خواهد بود:

شهباز پیرش باورهای انقلاب و انزجار از مبانی اخلاقی و فکری رژیم پهلوی حتی به شکل ظاهری که نشان از رفعت و گذشت انقلاب داشته و زمینه فعالیت و رشد را برای تمام آحاد مردم مهیا می‌کرد.

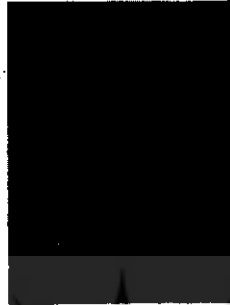
عبور خورداری از توانایی‌های شخصی مانند تخصص، استعداد، تحصیلات مناسب، امکان ایجاد ارتباطات مناسب اجتماعی، صداقت، درایت، تقوا، سادگی، بی‌اعتنایی به تجملات دنیوی و...

شروع گرایش به رابطه سالاری

با گذشت سال‌های اول انقلاب و روشن شدن تفاوت خطوط فکری و سیاسی گروه‌ها، هر گروه با تکیه بر مبانی ارزشی و فکری خود تلاش داشت پستیهای کلیت و اجرایی کشور را قبضه کند. (روند جاری پس از پیروزی انقلاب از بهمن ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۱). سرانجام کسانی که خود را تابع محض تعالیم امام خمینی (ره) می‌دانستند با تکیه بر باورهای مردم توانستند به مرور تسلطی پررنگتر و نسبتاً کامل بر تمام ارکان مدیریت کشور بیابند و فیلترهای جدیدی را برای تصدی مدیریت ایجاد کنند؛ از جمله اینکه مدیر باید تا حد امکان فاقد وابستگی به گروه‌ها و تفکرات الحادی و یا کشورهای بیگانه باشد.

روند گزینش مدیران بدون حضور احزاب، گروه‌های رسمی و مشخص بطور غیررسمی اما جدی و متکی بر باورهای سیاسی (همسو در مبانی اعتقادی اما متفاوت در روش‌های اجرایی) در حال شکل‌گیری بود و به مرور بعنوان یک اصل در انتخاب مدیران پذیرفته شد. تقابل افکار و بینش‌های اجتماعی بوجود آمده بین گروه‌های فکری کشور به مرور حرکتی را به سمت دسته‌بندی‌های جدی، تکاملی و متمایز از یکدیگر موجب شد، بطوریکه در مقاطع تاریخی مختلف، تفاوت دیدگاه‌ها و درک اهمیت دستیابی به مراکز تصمیم‌گیری (سکانداری و هدایت جامعه و امکان توزیع موقعیت‌های مدیریتی برای افراد وابسته به کزوه خودی) موجب شد تا کشور شاهد برخورد و

رقابت بسیار شدید جناحی بین گروه‌ها باشد. در این میان حتی حذف طرف‌های مقابل بعنوان یک موضوع جدی از طرف تمام طرف‌ها مطرح شد. در همین مقاطع بود که نخست نطفه «رابطه سالاری» و سپس نطفه «خانواده سالاری» بسته شد. کسانی «رابطه سالاری» و «خانواده سالاری» را طی سال‌های اخیر در کشور جا انداخته‌اند که خود را پیروان راستین تعالیم اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (ره) قلمداد می‌کنند و ما برای آنکه مشخص شود رفتارهای ایشان تا چه حد منطبق با تعالیم دین مبین اسلام و تعالیم بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است در سطور آتی نحوه



نگرش به «رابطه سالاری» را در دو مقطع مهم تاریخی (صدر اسلام و سال‌های اولیه انقلاب) بررسی می‌کنیم. علی‌ایحال در شرایط کنونی، کشور برخوردار از گروه‌بندی‌های متعدد سیاسی است، که تماماً به منظور اثبات تفکرات و باورهای خود بطور جدی و برنامه‌ریزی شده در صدد بدست گرفتن مدیریت دولت و یا حداقل حضور در بعضی از لایه‌های مدیریت هستند و حتی در بسیاری موارد آن را برخورد فرض می‌دانند.

رابطه سالاری در اسلام

نخست باید به این نکته اشاره کرد سازمانهایی موفق و کارآمد هستند که علاوه بر ساختار سازمانی مناسب و مدیریتی موفق، در سه زمینه تخصصی، مفهومی و انسانی به کسب مهارت‌های لازم توفیق یابند. آمیزه مناسب این مهارت‌های سه‌گانه به نسبتی که فرد از نردبان مدیریتی سازمان بالا رود تفاوت می‌کند. به گونه‌ای که در حرکت از پائین به بالا سازمان از اهمیت مهارت فنی کاسته و بر اهمیت مهارت مفهومی افزوده می‌شود. لیکن در تمام سطوح مدیریت از پایینترین تا بالاترین رده، مهارت انسانی از اهمیت اساسی یکسانی برخوردار بوده و بیش از دو مهارت دیگر کارآمدی سازمانی را تضمین می‌کند.

در این بخش قصد پرداختن به این موضوع را داریم که آیا اصولاً شیوه رابطه سالاری و خانواده محوری فرای پذیرش عام و تحقق عملی در بسیاری از کشورها، دارای مشروعیت دینی و مبانی اعتقادی هم هست؟ و سیره اولیا و بزرگان بعنوان الگوی رفتاری و

حکومتی چنین بوده است؟

برای بررسی الگوی مدیریت دولتی در اسلام (۱) طبیعتاً باید پیش از هر چیز به سیره حضرت رسول (ص) و حضرت امام علی (ع) بعنوان اولیاء معظمی که دارای حکومت بوده‌اند توجه کرد. ضروریست دقت کنیم که اولیاء معظم دینی در انتخاب و منصوب کردن مدیران به چه نکاتی توجه داشته و چه ملاک‌هایی را مدنظر قرار می‌دادند. در دوران تشکیل اولین حکومت اسلامی در مدینه (قبل و پس از فتح مکه) نزدیکترین شخص به حضرت رسول (ص) از حیث صفات اخلاقی، توانایی‌های روحی و فکری، گرایش و تقید به احکام اسلام، سوابق در حشران سیاسی و مبارزاتی و قربانیت خانوادگی، حضرت علی (ع) بود، اما در مدت حکومت حضرت رسول (ص) هیچ منصب دولت خاصی به ایشان واگذار نشده و صرفاً در جنگ‌ها و میدان کارزار با دلیل شهادت و توانایی بی‌همتا، همیشه برچمدار و سالار لشکر بود؛ و یا در دوران حکومت ۵ ساله امام علی (ع) نزدیکترین افراد (از تمام جوانب ممکن) به ایشان یعنی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و دیگران فرزندان حضرت هیچ مسئولیت و مدیریت دولتی بعهده نداشتند و همچون پدر بزرگوارشان صرفاً در نبردهای ممتد آن حضرت با دشمنان اسلام بعنوان برچمداران و سربازان بی‌همانند در میدان کارزار به نبرد می‌پرداختند.

در واقع در دوران حکومت اولیا دین، نزدیکترین افراد به ایشان از حیث وابستگی خانوادگی، فامیلی و قومی و حتی اعتقادی تنها در زمان جانبازی و استقامت از شهادت در پیشاپیش صفوف مردم قرار می‌گرفتند. در این مورد باید توجه داشت که با گذشت بیش از ۳۵ سال از حکومت اسلامی، شرانضی ایجاد شد (علی‌الخصوص در دوران حکومت خلیفه دوم و سوم) که نوع انتخابها به شدت به سمت اولویت‌های فامیلی و قومی گرایش داشت، لذا در دوران حکومت حضرت امیر (ع) منصوب کردن افراد خانواده و فامیلی بنی‌هاشم از نظر عرف بسیار مناسب می‌نمود، اما رویه حضرت علی (ع) با تاسی از رویه حضرت رسول (ص) اینگونه نبوده و بر استفاده از اصحاب متعهد و غیرمنتسب به خود تاکید داشتند. محدود، باید تاکید کرد که در سیره نبوی نزدیکان، حتی با داشتن بالاترین توان و لیاقت ممکن نباید از احراز مشاغل حساس دور باشند.

سیره نبوی (ص) پس از پیروزی انقلاب اسلامی به زیباترین شکل ممکن در شیوه حکومتی حضرت امام خمینی (ره) و سپس مقام معظم رهبری قابل مشاهده است و تاکید و تبعیت محض بران می‌باشد. چنانکه ایشان نیز ضمن بر حذر داشتن خانواده خود از دخالت در امور اجرایی کشور (علی‌رغم اصبار

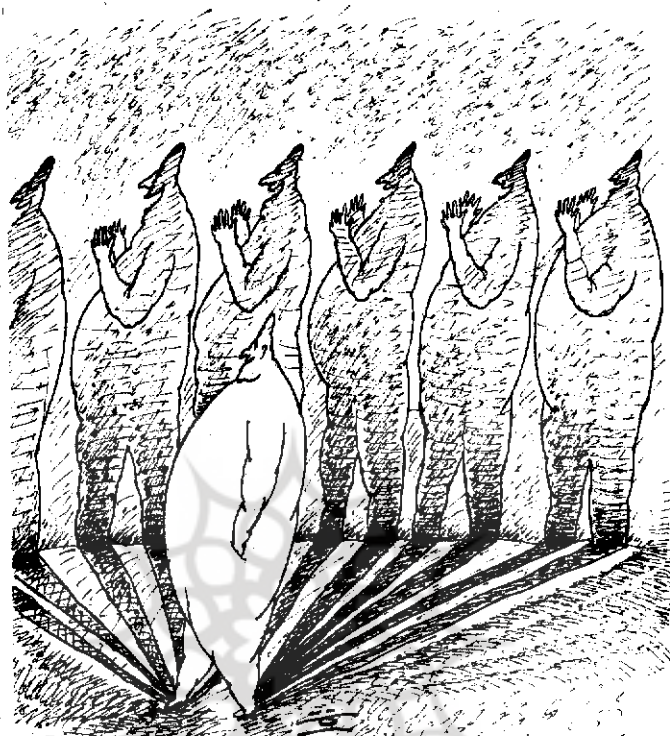
نتیجه گیری

همانطور که در بخشهای پیشین بیان شد رابطه سالاری و خانواده محوری در حاکمیت‌های مسلط بر کشور در قرون گذشته اثرات بسیار زاینباری را بر جامعه تحمیل کرده است. باسیری شدن دهه اول از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به مرور شاهد ظهور

بسیاری از دوستان و مدیران ارشد نظام) هیچ بست اجرایی قابل توجهی به ایشان واگذار نکرده‌اند. اینکه اولیا معظم (ص) و به تبع ایشان، رهبری انقلاب اسلامی این طریق را برگزیده‌اند جای تأمل و بررسی فراوانی دارد که در حوصله این مبحث نمی‌گنجد، لذا صرفاً بعنوان یک الگوی مشروع و معیار قضاوت باید بدان پرداخت و به شناخت ویژگیهای مدیران مورد توجه در این الگو اشاره کرد. لذا در ادامه به بخشی از تابلوی کامل توزیع شده از سوی حضرت امام علی (ع) برای انتخاب و وظایف مدیران در نامه ایشان به سردار معظمشان مالک اشتر نخعی بعنوان ویژگیهای مدیر مسلمان (۲) اشاره می‌شود:

- ۱- تقوی الهی و امانت داری در برابر بیت المال
- ۲- برسرسی عملکرد گذشته در برابر حق الناس و حق الله (علی الخصوص در مناصب دولتی)
- ۳- مهربانی و ممانعت با مردم و رعیت
- ۴- استفاده از رای و نظر مردم، کارشناسان و مشاوران دلسوز و آگاه
- ۵- گماشتن افراد با داشتن تخصص و توانایی لازم در مدیریت جامعه و ادارات
- ۶- داشتن عزت نفس، قدرت تصمیم گیری، اراده و ابتکار
- ۷- اصرار بر اجرای حق و رعایت انصاف و عدالت بین خویشان و مردم بطور روشن و آشکار
- ۸- استفاده و بکارگیری آحاد مردم بجای خواص و اقوام
- ۹- انتخاب افراد بر اساس تقوا و تواناییهای لازم و مورد نیاز

- ۱۰- بر خورداری از اخلاق اسلامی و دوری از اخلاق رذیله و ناپسند
- ۱۱- استفاده نکردن از مدیران و کارگزاران شاغل [و فاسد] در دستگاه دوران حاکمیت ظلم
- ۱۲- ایجاد فضای مناسب جهت رشد افراد متعهد و حذف افراد متملق و چا پلوس
- ۱۳- تفاوت قائل شدن بطور آشکار بین نیکوکار و بدکار که در غیر اینصورت نیکوکاران از نیکوکاری بی رغبت و بدکاران به بدی راغبتر خواهند شد.
- ۱۴- انتخاب مشاوران آگاه، راستگو، درستکار، شجاع و...
- ۱۵- دقت و اندیشه در کارها و اعمال کارگزاران و تجربه و آزمایش آنها بطور آشکار و در پنهان



مبتنی برداشتن پشتوانه حزبی و گروهی (رسمی و غیررسمی) است و بدون ارتباط با آنها (بعنوان یک رانت سیاسی و اجتماعی غیر رسمی) دسترسی به موقعیتهای ممتاز مدیریتی ناممکن و یا بسیار دشوار و محدود خواهد بود.

چنانچه از روند فعالیت احزاب و گروههای مختلف برمی آید، و تمامی احزاب در کشورهای شرقی و غربی نیز به آن مبتلا بوده‌اند موضوع تلاش مسئولین و یا طالبان قدرت برای تحت اختیار داشتن جایگاهها و موقعیتهای حساس در حزب و گروه می‌باشد تا بدینوسیله با ایجاد یک گروه غیر رسمی در حزب امکان تحمیل اراده شخصی خود را به مجموعه گروه و در نهایت اعمال نفوذ بی قید و شرط، اما پنهان بر مدیریت دولتی کشور ایجاد کنند. نتیجه نهانی اعمال چنین روشی در همه جا یکسان است: فساد و تباهی بر تمامی ارگان‌های جامعه (اعم از سیاسی- اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی) حاکمیت می‌یابد. افراد شریف و توانمند یا منزوی می‌شوند یا خود با فساد حاکم هماهنگ می‌شوند و به نوبه خود در زمره سوء استفاده‌چیی‌های پول و قدرت درمی‌آیند و...

تساریخ معاصر نمونه‌هایی از عاقبت کار رابطه سالاران و خانواده سالاران را در مقابل چشمان ما قرار می‌دهد. نمونه آن در غرب حکومت طولانی مدت آلدو نوو در ایتالیا و

هرج و مرج دوران گروه موسوم به بریگادهای سرخ و سقوط اقتصاد ایتالیا و رشد مافیای مشهور آن است. در شرق یکی از دلایل عمده فروپاشی شوروی «رابطه سالاری» و «خانواده سالاری» بود و در ایران... سرنوشت خاندان پهلوی و وابستگان ایشان هنوز بوضوح در برابر دیدگان ما قرار دارد. پس بیانیم و برای پالایش انقلاب از نابسامانها و تداوم سرفرازانه سازندگی کشور در همین مقطع. و به فوریت ریشه «رابطه سالاری» و «خانواده سالاری» را بسوزانیم.



- ۱- مصاحبه حضوری با حجة الاسلام فاطمی نیا
- ۲- آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع) - آیت الله محمد باقر لنگرانی، تحلیلی از پدیده گزینش در حکومت اسلامی - علی اصغر زینی‌وند، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی - آیت الله جوادی آملی

انواعی از رابطه سالاری شدیم که با توجه به نوع بهره گیری از آنها بارها بطور صریح از طرف گروه‌های فعال و رقیب با عناوینی همچون انحصار طلبی در احراز مدیریت دولتی و با شانتاژهای تبلیغاتی به شدیدترین وجه مؤرد انتقاد و اعتراض قرار گرفته است.

گرایش به رابطه سالاری، و در حالت افراطی آن خانواده محوری موجب ایجاد تزلزل و نگرانی مداوم از احتمال جابجایی در مدیران رابطه‌ای می‌شود. سایر عوارض این پدیده عبارت است از، تلقین ناباوری در مورد امکان طی مراحل اداری افراد بدون وابستگی گروهی در باور آحاد مردم، سقوط ارزشها و اخلاق پذیرفته شده اجتماعی مانند صداقت و درست‌ی و نهایتاً احساس بیگانگی بین مردم و مدیریت دولتی. در این دیدگاه احراز جایگاههای قدرت غالباً